

تاریخ دریافت : ۹۴/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش : ۹۴/۱۱/۳۰

چشمه علی دامغان و علل تقدس آن

سیده پروانه غضنفری^۱
میترا کریمی^{۲*}

چکیده

توجه به عناصر طبیعی به دلیل نقشی که این عناصر در زندگی بشر داشته‌اند در بسیاری از فرهنگ‌های کهن من جمله ایران مرسوم بوده است. اهمیت این موضوع تا حدی بوده که در نظر ایشان برخی از این عناصر مقدس بوده و برای آن مراسم و آیین‌هایی به جا می‌آوردند. آب یکی از این عناصر طبیعی است که شکل‌گیری شهرها و توسعه تمدن بشری از دیرباز وابسته به آن بوده و هست. هر جا با تمدن شهری برجای مانده از زمان‌های دور روبرو می‌شویم، بدون شک در حوالی آن ردپای چشمه، رود یا رودهایی مشاهده می‌شود. این عنصر طبیعی در پهنه جغرافیایی ایران زمین به دلیل قرارگیری در اقلیم گرم و خشک اهمیتی دوچندان یافته و معضل کم‌آبی باعث می‌شود طیف وسیعی از باورهای مقدس ایرانیان به حفاظت از آب و جلوگیری از آلوده کردن آن اختصاص داشته باشد. از همین روست که در جای جای ایران، علی‌الخصوص در فلات مرکزی با آب‌هایی مقدس مواجه می‌شویم. آب‌های مقدسی که چشمه‌های مقدس، دریاچه‌های مقدس، قنات‌های مقدس را در بر می‌گیرد. آب‌های مقدسی که به وجود آورندگان آنها یا صاحبان آنها پیامبران، امامان و ائمه اطهار هستند. چشمه علی شهر دامغان، به عنوان سرچشمه تنها رودخانه دایمی شهر که آب آن از چشمه‌های کف دریاچه و از کوه - تپه آب ده شمال آن سرچشمه می‌گیرد، نمونه‌ای است از این فضاهای مقدس که قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد. این مکان در نظر ساکنین مقدس بوده و مردم به ریشه چنار ۱۰۰۰ ساله کنار چشمه دخیل می‌بندند. طبق بررسی شواهد و مستندات موجود در کتب تاریخی، حفاری‌های انجام شده و مشاهدات عینی صورت گرفته توسط نگارنده علت تقدس این مکان باید به واسطه حضور آب مقدسی باشد که از دل کوه خارج می‌شود. شاید این مکان نیایشگاهی مهتری بوده باشد برای پرستش الهه مهر و ناهید در کنار آب : سه‌گانه آب، درخت، کوه.

واژگان کلیدی

چشمه علی دامغان، کوه، درخت، چشمه مقدس، اناهیتا.

* کارشناس ارشد معماری منظر، سازمان نوسازی شهر تهران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۳۲۱۲۹۲۴ pa.ghazanfari@gmail.com
** کارشناس ارشد معماری، سازمان نوسازی شهر تهران. mitrakarimi.m@gmail.com

فرضیه

به نظر می‌رسد علت تقدس این مکان چشمه مقدسی باشد که آبی مقدس و شفابخش را به ارمغان آورده و سابقه آن به دوران قبل از اسلام می‌رود. همان‌گونه که بسیاری از آتشکده‌ها با تبدیل به بنای مساجد، موقعیت مکانی و تقدس خود را حفظ کردند، این چشمه مقدس نیز براساس روایات و در نتیجه تبرک قدومی، به چشمه علی تبدیل شده که بتواند تا امروز به حیات خود ادامه دهد. آنچه ما اینجا شاهد هستیم دگردیسی و تطابق بخشی از آیین‌ها و رسوم کهن مردمان این سرزمین است که حتی پس از اسلام آوردن، کماکان در ذهنشان نقش بسته است.

پیشینه تحقیق

خوشبختانه مطالعات و پژوهش‌های قابل استنادی در حوزه آیین و رسوم کهن ایران‌زمین، اساطیر مرتبط با آن و ویژگی‌های کالبدی اماکن مذهبی ادیان پیش از اسلام توسط پژوهشگران داخلی و ایران‌شناسان غربی صورت پذیرفته است. از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های انجام شده توسط مهرداد بهار، محمد میرشکرایی، جمشید صداقت کیش، سوزان گویری، گریشمن و هنیلز ... اشاره کرد. لازم به ذکر است مطالعاتی نیز به صورت موردی بر روی سایت‌های تاریخی و مقدس - همچون چارتاقی‌های واقع در دو روستای نیاسر و نشلج کاشان، قدمگاه نیشابور، چشمه علی شهر ری، بیستون کرمانشاه و ... - انجام شده که هدف آن بررسی علل تقدس اماکن مورد نظر بوده است. بدون شک مطالعه پژوهش‌های فوق می‌تواند کمک بسزایی در روند مقاله پیش رو داشته باشد.

عمده مطالعات موجود در خصوص چشمه علی دامغان نیز مربوط به بررسی تاریخی و کالبدی ابنیه موجود در سایت (۲ عمارت آقامحمدخان، فتحعلی شاه قاجار) بوده که در نهایت به مرمت آن دو در سال‌های اخیر انجامیده است. اما در خصوص چشمه و درخت چنار قدیمی آن تاکنون مطالعاتی با هدف بررسی چرایی تقدس این مکان و روایات منسوب به آن در سایت مورد مطالعه صورت نپذیرفته است.

روش تحقیق

متدولوژی انجام پژوهش حاضر به شرح ذیل است :
الف. مطالعات میدانی و برداشت اطلاعات محیطی و مشاهده عناصر و اجزای محدوده مورد مطالعه
ب. مطالعات تاریخی و بررسی اسناد و مدارک و مستندات مربوط به حوزه جغرافیایی و تاریخی دشت دامغان
ج. تحلیل، تطبیق و بررسی یافته‌های تاریخی، جغرافیایی و مستندات عینی در جهت پاسخگویی به فرضیه پژوهش

مقدمه

در فاصله حدوداً ۳۰ کیلومتری شمال غربی دامغان، دریاچه‌ای بسیار زیبا و طبیعی موجود است. آب این دریاچه از چشمه‌های متعددی که در کف آن قرار داشته و از کوه تپه آب ده واقع شده در ضلع شمال آن سرچشمه می‌گیرد. این مکان، سرچشمه تنها رودخانه دائمی دشت دامغان بوده و چشمه علی نام دارد. در شمال دریاچه و درست در محل تلاقی دریاچه با تپه کوه آب ده کناری آن ۲ درخت چنار قدیمی وجود دارد که قدمت آن دو را ۱۰۰۰ سال تخمین زده‌اند. تعدد پارچه‌های گره زده بر ریشه درختان خبر از تقدس این مکان و وجود عقاید و باورهای مذهبی در مورد آن می‌دهد. مردم امروزی دامغان اینجا و این آب را مکانی مقدس دانسته و بر پای درخت چنار دخیل زده و بدن خود را در آب می‌شویند. در نظر این مردمان حتی ماهی‌های این چشمه نیز مقدس‌اند و نباید آنها را خورد^۱ (تصاویر ۱، ۲، ۳، ۴). ساکنین این خطه علت ظهور آب از این نقطه را بر خورد سم دلدل حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام دانسته‌اند. "... یکی از آنها که در پای درختی کهن است و آب با فشار از آن می‌آید، می‌گویند سم دلدل حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام در اینجا فرو رفته و آب بیرون آمده و قطعه سنگ بزرگی که روی آن نقشی دارد کنار این چشمه است و درخت چنار کهنی که زائرین چشمه علی به شاخه‌های آن قطعات پارچه گره کرده و به اصطلاح "دخیل" بسته‌اند. "وجه تسمیه این چشمه را نیز همین دانسته‌اند" (مأخذ : آرشیو میراث فرهنگی شهرستان دامغان، ۱۳۸۶).

همچنین در نزدیکی چشمه علی، در جانب شرقی جاده‌ای که از دامغان به سمت مشهد می‌رود، روستای آستانه قرار گرفته است. زمین‌های کشاورزی روستا در جنوب چشمه علی واقع شده‌اند. راه ارتباطی روستا با مجموعه علاوه بر جاده ارتباطی دامغان - مشهد، مسیر میانبر خاکی است که به دلیل رفت و آمدهای اهالی ایجاد شده و گذر صلواتی نام دارد. وجه تسمیه آن به دلیل اعتقاداتی است که اهالی روستا به چشمه علی دارند. در ایام محرم مسیر حرکت دسته‌جات این روستا و روستاهای اطراف به مجموعه چشمه علی ختم می‌شود. مردم روستا هم به هنگام عبور از این مسیر خاکی، پس از رؤیت چشمه علی به منظور احترام ایستاده و صلوات می‌فرستند.

براساس شواهد و قرائن موجود، چشمه علی مکانی مقدس بوده و منتسب به حضرت علی علیه‌السلام، در حالی که که حضرت علی هیچ‌وقت به ایران سفر نکرده است (میرشکرایی، ۱۳۸۲). فلذا به منظور بررسی علت تقدس این چشمه مطالعه گذشته تاریخی گستره جغرافیایی دشت دامغان و بررسی باورها و اعتقادات ایشان ضروری به نظر می‌رسد.



تصویر ۳. چشمه‌های جوشیده از کف دریاچه. مأخذ : سایت دامغان نیوز، ۱۳۹۴.



تصویر ۱. چنار مقدس و پارچه‌های دخیل بسته شده به ریشه درخت. مأخذ : آرشیو سیده پروانه غضنفری.



تصویر ۴. چشمه و کوه تپه واقع در کنار آن که البته در حال حاضر مطبق شده است. مأخذ : آرشیو سیده پروانه غضنفری.



تصویر ۲. چنار مقدس و پارچه‌های دخیل بسته شده به ریشه درخت. مأخذ : آرشیو سیده پروانه غضنفری.

یافتن آب از شکاف‌ها، کوه‌ها و چشمه‌هایی می‌شود که باعث شکل‌گیری آب رودخانه چشمه علی دامغان است. رود پس از عبور از میان پیچ کوه‌ها، به شهر دامغان می‌رسد. به منظور تقسیم صحیح آب و جلوگیری از هدر رفتن آب در ناحیه‌ای که زندگی در آن به دلیل خشک بودن ناحیه کویری و عدم وجود رودخانه دائمی به آب وابسته است، در آخرین پیچ کوه در دامنه گردکوه اقدام به احداث یک سد به نام "سد شهید چراغی" کرده‌اند.

این تفکر از دیرباز نیز در میان مردم دشت دامغان رواج داشته، چرا که در نزدیکی نقطه ذکر شده روستایی وجود دارد به نام لب رود و تا چند دهه پیش بقایای یک سد مربوط به دوره ساسانی در آن وجود داشته است. علت نام‌گذاری این روستا هم به احتمال قریب به یقین به همین دلیل بوده

موقعیت جغرافیایی چشمه علی

به لحاظ وضعیت استقرار این مجموعه در شهرستان دامغان و موقعیت آن نسبت به دشت دامغان باید گفت که چشمه علی در شمالی‌ترین نقطه شهرستان، واقع شده است. جنس خاک و کوه‌های این ناحیه آهکی است. وجود آهک‌ها باعث جریان

ری در اقلیم جبال می‌آید و به نیشابور در خراسان منتهی می‌شود، از سرتاسر ایالت قومس می‌گذرد (تصویر ۷). ابن واضع یعقوبی در البلدان تألیف سال ۲۷۸ ه.ق می‌نویسد "و از ری تا قومس بر شاهراه و جاده بزرگ دوازده منزل است که برخی از آنها معموره و برخی در بیابان‌هاست و قومس شهری است با وسعت و جلیل‌القدر و نام شهر آن دامغان است و آن شهر اول شهرهای خراسان است". مهم‌تر از همه نوشته طبری مورخ بزرگ قرن سوم اسلام است که در داستان فتح قومس توسط سوید بن مقرن از رودخانه شهر قومس با نام ملاز یاد کرده که تنها بر چشمه علی مطابق است.

در رساله تاریخی شهرستان‌های ایران‌شهر ترجمه صادق هدایت درباره قومس و آتشگاه موجود در آن اشاره شده است. "در کتاب زند آگاهی (بوندهشن بزرگ) آمده است در قومس آتشکده‌ای بوده که خود به خود می‌سوخته" (طاهریا، ۱۳۴۷: ۱۴). مسعودی در گزارشی از آتشگاه‌های معروف قبل از اسلام چنین می‌نگارد:

"در قومس آتشگاه بزرگی به نام جریش بود که معلوم نبود چه کسی بنیاد گذارده است. گویند اسکندر وقتی تسلط یافت، آتشکده را همچنان به حال خود گذاشت و خاموش نکرد" (نشرفضا، ۱۳۶۸: ۳۷).

همچنین بنا بر نظر برخی محققین، شهر دامغان یا حوالی آن محل استقرار شهر تاریخی صدرروازه یا هکاتم پیلس است که توسط نویسندگان قدیم یونان به عنوان پایتخت دوم اشکانیان پس از نساء بسیار از آن یاد شده است:

"تا آنجا که می‌دانیم پایتخت مشهور دولت اشکانی شهر معروف "تیسفون" بوده است (حقیقت، ۱۳۶۲: ۴۴). "این شهر زمانی پایتخت دولت اشکانی می‌شود که اشکانیان تا دجله و فرات را تحت تسلط خود درآورده بودند. پایتخت اولیه دولت پارت را عده‌ای نساء می‌دانند. در این نیز تردیدی نیست که شهر صدرروازه در هنگام بسط دولت پارت از مشرق به جانب مغرب چندی مرکز حکومت بوده است" (نشرفضا، ۱۳۶۸).

هوتوم شیندلر و ویلیام جکسون نیز بر این عقیده‌اند که شهر صدرروازه همان کرسی ولایت سابق قومس است و باید آن را در حوالی دامغان در نظر گرفت (حقیقت، ۱۳۶۲: ۴۴)؛ (تصاویر ۶، ۷، ۸).

باورها و اعتقادات ساکنین دشت دامغان

یافته‌های تاریخی در مورد خطه دامغان حکایت از حضور سکونت و شهرنشینی از پیش از اسلام تاکنون دارد که البته دوران طلایی آن مصادف است با حکومت اشکانیان و پایتخت‌شدن شهر صدرروازه یا همان دامغان. با بررسی اندک آثار باقی‌مانده می‌توان تا حدودی به باورها و رسوم ساکنین دشت دامغان در این دوره پی برد:

است (عدل، ۱۳۷۸: ۴). ابودلف تاریخدان قرن چهارم نیز در کتاب خود درباره این سد می‌نویسد: "در دامغان سد عجیبی برای تقسیم آب وجود دارد که از دوره ساسانی است. آب آن از مغازه‌ای واقع در دل کوه بیرون می‌آید و پس از جریان به وسیله این سد به ۱۲۰ قسمت برای آبیاری ۱۲۰ قریه تقسیم می‌شود. مقدار آب هیچ‌یک از این جوی‌ها به نفع صاحب آن زیاد نشده و نیز ممکن نیست دو جوی به هم آمیخته شود. سد مزبور ساختمان عجیبی داشته و بهتر از آن و مانند آن در شهرهای دیگر ندیده‌ام" (نشر فضا، ۱۳۶۸: ۲۳)؛ (تصویر ۵).

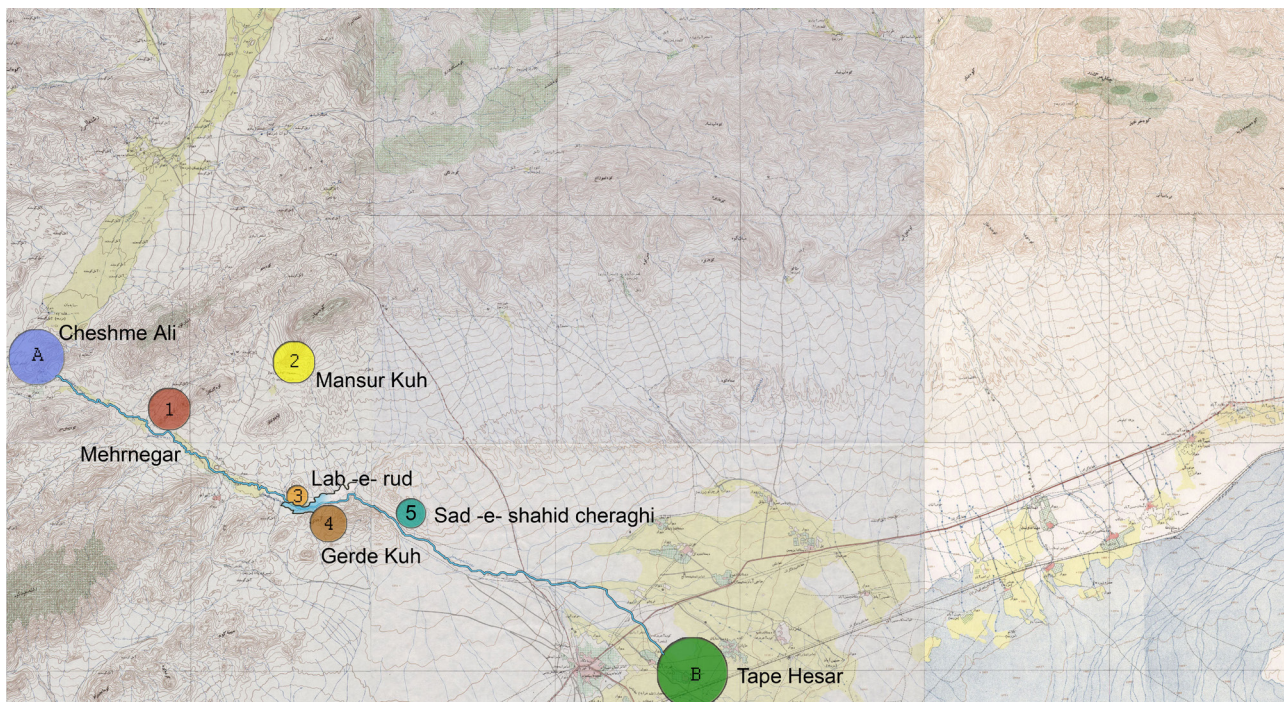
مروری بر سیر تاریخی دشت دامغان

به هنگام حرکت از شهر دامغان به سمت چشمه علی در مسیری قدم می‌گذاریم که می‌تواند نمایانگر تاریخ غنی دشت دامغان باشد. در این مسیر با بقایای تاریخی روبه‌رو می‌شویم که قدمت برخی از آنان به پیش از اسلام می‌رسد. قلاعی چون گردکوه، منصورکوه و مهرنگار که کارکرد آن در دوران مختلف از عهد اشکانیان تا زمان حکومت اسماعیلیان و بعد از آن، خبر از اهمیت سوق‌الجیشی این منطقه به عنوان مسیر ارتباطی کشور می‌دهد (تصویر ۶).

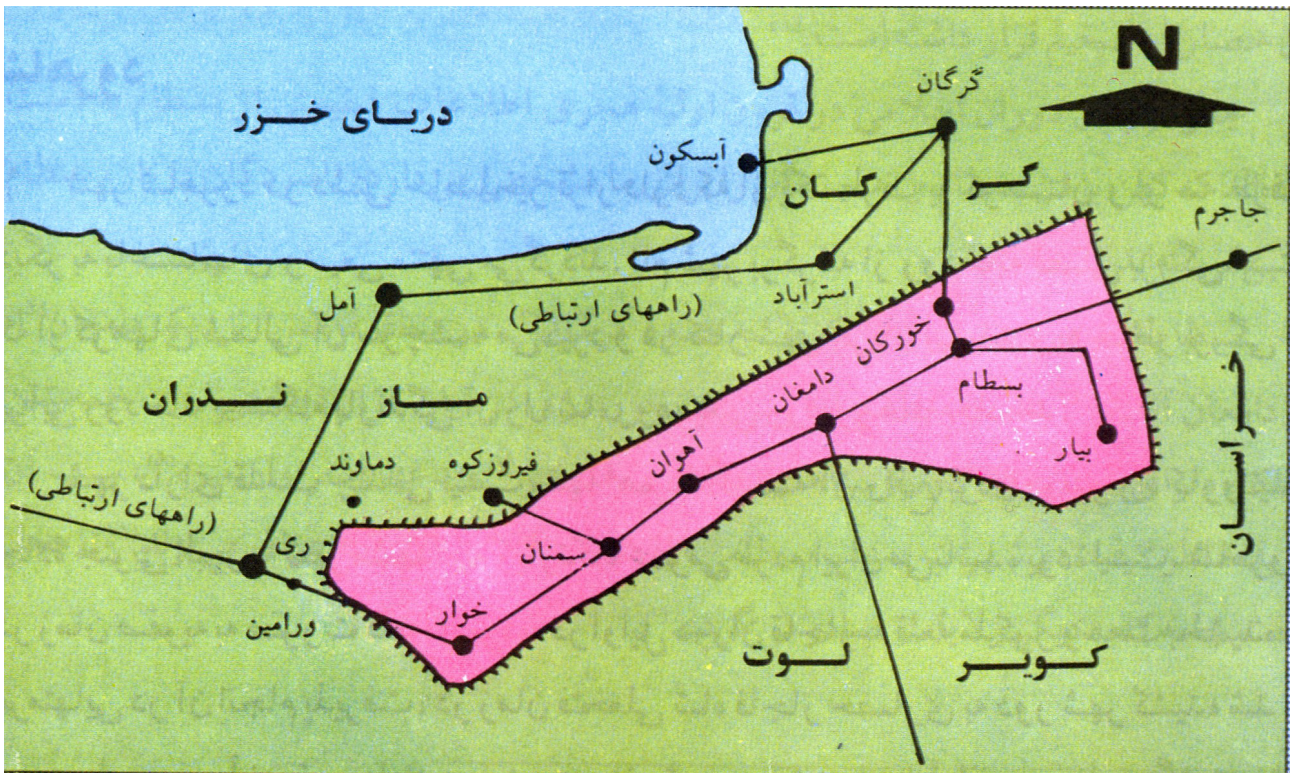
انتهای این خط تاریخی تپه حصار است. خطی که نقطه شروع و پایان آن چشمه علی (به عنوان تأمین‌کننده حیات و نقطه آغازین سرسبزی دشت) و تپه حصار (به عنوان قدیمی‌ترین نقطه شهرنشینی در این خطه) است. - براساس کاوش‌ها و باستان‌شناسی‌های صورت گرفته توسط پروفیسور اشمیت قدمت تپه حصار به ۵۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. مجموعه نکات فوق حکایت از آن دارد که دشت دامغان به عنوان محدوده‌ای خوش آب و هوا و حاصلخیز در میانه رشته‌کوه‌های البرز و کویر مرکزی ایران محسوب می‌شده و به سبب موقعیت استراتژیک آن در خط سیر و حد فاصل بزرگراهی، از ادوار باستان شریان عمده تجارت و عبور و مرور به حساب می‌آمده و به عنوان یگانه معبر طبیعی و مناسب برای اردوکنشی‌ها و عبور و مرور کاروان‌ها و جهانگردان به شمار می‌رفته است. این جاده بخشی از جاده معروف ابریشم در دوران ساسانی بوده که اهمیت سیاسی- اقتصادی و فرهنگی آن پس از اسلام نیز ادامه داشته است به طوری که ایالت سین کیانگ را به بغداد مرکز دارالخلافه اسلامی متصل می‌کرده است. از این خطه در دوران پس از اسلام تحت عنوان ایالت قومس، و از شهر دامغان به عنوان مرکز ایالت در کتب تاریخی بسیار یاد شده است: در مجموعه جغرافیای تاریخی به نام "سرزمین‌های خلافت شرقی" تألیف "لسترنج" نوشته شده که ایالت قومس، در دامنه جبال البرز و در سرزمینی کم‌پهنا بین کوه‌های البرز در شمال و کویر لوت در جنوب محصور است و شاهراه بزرگ خراسان که از



تصویر ۵. بند آببخشان در نزدیکی روستای لب رود که بازمانده‌های آن تا چند دهه پیش وجود داشته است. قدمت آن براساس مستندات تاریخی به عهد ساسانی می‌رسد و خبر از نظام تقسیم آب رودخانه چشمه علی از دیرباز تاکنون می‌دهد. مأخذ: عدل، ۱۳۷۸.



تصویر ۶. مسیر تاریخی حرکت از دامغان به سمت چشمه علی، عناصر شاخص و تاریخی به شرح ذیل است: ۱. قلعه مهرنگار ۲. قلعه منصور کوه ۳. بند آببخشان ۴. قلعه گردکوه ۵. سد شهید چراغی. مأخذ: آرشیو سیده پروانه غضنفری.



تصویر ۷. نقشه ایالات قومنس در دوران اسلامی. مأخذ: بنی اسدی، ۱۳۷۶.

افزونی آب، بستگی به ماه دارد و تخمه گیاه و رویش در کره ماه است. "لومل" ریشه‌ها و تفاسیر این عقیده را که گاو با ماه یکی است در ریگ ودا نشان داده است. ماه سرچشمه زاینده‌گی بر روی زمین بوده و بر آن نظارت می‌کند.

به نظر می‌رسد در دوره‌ای که اقتصاد بر پایه کشاورزی بوده و زندگی و حیات ساکنین وابسته به آب، استفاده از نیروهای جاودانه و ماورایی برای نزول باران، در نظر گرفتن خدایان و الهه‌هایی برای حفاظت از آب‌ها، تقدس خدایان مرتبط با آب و دادن نذورات و قربانی برای آنها دور از ذهن نباشد. اگرچه از این الهه‌ها در دوره‌های ابتدایی اطلاعات قابل توجهی موجود نیست اما در دوره‌های بعدتر یعنی هخامنشی، اشکانی و ساسانی شاهد حضورشان در کتیبه‌ها هستیم:

دو ایزد مهر و اناهیتا که از زمان هخامنشیان به صورت جفت یا جدا از هم پس از اهورامزدا در کتیبه‌ها حضور داشتند در این دوره (اشکانی) به اوج قدرت خود می‌رسند و با اهورامزدا یک تثلیث را تشکیل می‌دهند. "اناهیتا در مقام ایزد آب و باروری رونقی بی‌سابقه می‌گیرد" (رجبی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۹۰). "در زمان اشکانی همچنین نقش مهر شفاف‌تر می‌شود" (بهار، ۱۳۷۶: ۹۸). مغان در این دوره همچنان روحانی قوم بوده و در انجمن مغان که یکی از دو مجلس مشورتی اشکانیان بوده شرکت

ضمن حفاری و کاوش‌های صورت گرفته در این محوطه اشیایی همچون ظروف سفالین، مهر، عصا و ... یافت شد که بر روی آن تصاویری نظیر بز کوهی، گاو نر، اراپه و تصویر زنی در حال تقدیم کودک، مشاهده شده است. بسیاری از محققین نظیر گریشمن بز کوهی، گاو نر و ماه را از مظاهر الهه مادر می‌دانند که در دوره‌های مختلف با نام‌های متفاوت وجود داشته است اگرچه کارکرد آن تغییر چندانی نیافته است. در ادامه به بررسی سه نماد یافت شده در تپه حصار می‌پردازیم. بر پایه اعتقادات ایرانیان کهن، بز کوهی و جانوران شاخ‌دار نیرویی جاودانه دارند. به احتمال قوی در آغاز میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده است. بز کوهی نماد آب است. نقش آن با شاخ‌های بزرگ‌تر از اندام‌های معمولش به شکل هلال ماه، نماد باران بوده و معمولاً شاخ مظهر حاصلخیزی و باروری است. بز کوهی نیاز به گیاه دارد و هر جا با آن چابکی خاص خود دیده شد، نشان از آب و گیاه است. بنابراین این شاخ در نزول باران و ایجاد آب مؤثر شمرده می‌شد و این نماد مرتبط با آب به طور برجسته بر روی ظروف سفالین جلوه‌گر شده است (کعبی‌پور، ۱۳۸۳).

از جانب دیگر ماه از زمان‌های دور با باران مرتبط بوده است ... از روزگاران کهن در آثار اوستایی-ودایی آمده که رویش و نمو گیاهان، زایش و بالش مردم، نعمت، برکت، کاستی و



تصویر ۸. موقعیت شهر نسبت به دشت دامغان و کویر جم. مأخذ : www.earth.google.com

مکشوفه از تپه حصار که در بالا بدان پرداخته شد، باورهای موجود در مورد قنات فی‌خار^۲ واقع در روستایی در ۲۰ کیلومتری دامغان، باورهای مربوط به چشمه بادخان که به احتمال بسیار همان چشمه علی دامغان است، وجود گنبد چهل‌دختران و تزیینات به کار رفته بر روی آن در شهر دامغان^۳ و ... به روشنی روایت می‌کنند اساطیری را که در تاروپود زندگی مردمان این دشت تنیده شده است.

با بررسی آیین‌های پیش از اسلام ساکنین دشت دامغان این نکته برایمان روشن می‌شود، که برای مردمانی که زندگی‌شان با طبیعت گره خورده است، کشاورزی و حاصلخیزی دشت، برکت و رشد و نمو به نزول باران و جوشیدن آب از دل چشمه‌ای وابسته است که سرچشمه تنها رودخانه دائمی دشت است. همچنین بررسی یافته‌های موجود در تپه حصار و روشن شدن اعتقادات ایشان این فرضیه را به ذهن متبادر می‌سازد که شاید این چشمه از زمان حضور انسان در این دشت و شکل‌گیری سکونت و به واسطه نقش ویژه خود در حیات مردمان این خطه مقدس بوده است.

می‌کردند (بهار، ۱۳۷۷: ۱۰۳). بنا بر گفته برخی مورخین وجه تسمیه دامغان نیز بی‌ارتباط با همین روحانیون نبوده است. چنان‌که نوشته‌اند "قریب ۴۰۰ سال پیش از میلاد، جمعی از مغان در مسیر همین رود سکنی گزیده و به علت سکونت آنان نخست "ده مغان" نامیده شده (کشاورز، ۱۳۷۰: ۳). این اعتقادات در دوران بعد نیز ادامه پیدا می‌کند چنان‌که در دوران ساسانیان دین غالب کماکان زرتشت بوده است. "در زمان ساسانیان دین زرتشتی مهر نقش مهمی در آیین‌های دینی بر عهده دارد ... و مقدس‌ترین آیین‌ها در تحت حمایت مهر اجرا می‌شود" (هینلز، ۱۳۶۸: ۱۲۶) "همچنین معابد مهر را در کنار یا نزدیک آب جاری می‌ساختند". (بهار، ۱۳۷۷: ۳۶) مکان‌هایی مقدس به عنوان جایگاهی برای پرستش ایزدان مهر و اناهیتا؛ حافظان آب، زمین، گیاه.

نمونه‌های موردی بسیاری در حیطه جغرافیایی مورد مطالعه یافت شده است که به خوبی می‌تواند تفکرات و اعتقادات گذشته مردم منطقه را روشن نموده و ریشه بسیاری از باورهای امروزی آنها را برایمان روشن کند. علاوه بر اشیاء

بوئت" که از کوه بغوتا بیرون می‌آمد سخن گفته است. اطلاق لغت بغوتا که از بغ نشئت می‌گیرد در مورد کوه کوچکی که در کنار چشمه است و آب از آن نشئت می‌گیرد می‌تواند بیانگر فرضیه‌ای باشد و آن هم تقدس این کوه و چشمه قبل از اسلام، در نظر مردمان این خطه است.

بررسی سه‌گانه مقدس چشمه، کوه و درخت در چشمه علی همان‌طور که پیشتر گفته شد در دوران پیش از اسلام ایزدان مربوط به زمین و آسمان یا آب و خورشید یعنی مهر و اناهیتا پس از اهورامزدا بسیار مورد تقدیس بوده و برایشان عبادتگاه‌هایی وجود داشته است. در دوران اشکانی اهمیت دو ایزد مهر و اناهیتا بدان‌جا می‌رسد که در کنار اهورامزدا تشکیل یک تثلیث را می‌دهند. بنا بر گفته مهرداد بهار معابد مهری را در کنار یا نزدیک آب جاری یا بر روی قنات و آب‌انبار به عنوان نیایشگاه مهر و ناهید می‌ساختند. بیشترین معابد مهری در کنار آب یا چشمه شکل گرفته‌اند و از آنجا که براساس اساطیر، مهر از کوه زاییده شده است هر جا کوهی وجود داشته که در دامنه آن آب روانی جاری بوده را زیارتگاه مهر و ناهید خوانده و در اوقات معینی برای ستایش این دو مقدس بدان‌جا روی می‌آوردند و حاجت خود را از آنان می‌طلبیدند (شهرزادی، ۱۳۷۵). به عبارتی دیگر نیاکان ما با توسل - مهر و ناهید- و گاهاً قربانی کردن گاو، گوسفند و اسب در کنار این چشمه‌های حیات‌بخش طلب فرزند، شفای بیمار و نزول باران می‌کردند. همچنین درخت مقدس^۴ کنار چشمه را گرمی داشته و به آن دخیل بسته، حاجت خود را طلب می‌کردند. این رسوم تا امروز نیز باقی است (جوادی، ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد تقدس چشمه علی شهر دامغان، به واسطه حضور آبی حیات‌بخش است که سرچشمه زندگی، سرسبزی و برکت برای دشت دامغان شده است. به عبارتی دیگر این عناصر طبیعی به دلیل نقش ویژه طبیعت در زندگی ایرانیان باستان مقدس شمرده شده و برای حفظ و نگاهداری از ایشان الهه و خدایانی در نظر می‌گرفتند. از این روست که هر جا چشمه- درخت و کوهی را می‌دیدند که از آن آب به عنوان مظهر حیات می‌جوشید، آن را مقدس شمرده و از این طریق آن را در طول سال و ماه حفاظت می‌کردند. به نظر می‌رسد این فرضیه دور از ذهن نباشد که چشمه علی دامغان یکی از این نیایشگاه‌های مهری ناشناخته است. اگرچه اثبات این فرضیه نیازمند بررسی‌های باستان‌شناسی لازم در سایت است، اما وجود چشمه، کوه و درخت، به همراه تقدس این مکان و هر آنچه به آن مربوط می‌شود از قبیل ماهی‌های چشمه، دادن نذور و قربانی در این مجموعه، برگزاری مراسم مذهبی و از همه مهم‌تر دخیل بستن به ریشه‌های درخت

لازم به ذکر است که در اهمیت تقدس این چشمه بعد از اسلام تردیدی نیست زیرا روایات خود بر این موضوع صحت می‌گذارند.

نوشته‌های مورخین یونانی در مورد چشمه علی دامغان
با توجه به لشکرکشی اسکندر به ایران و شکل‌گیری حکومت سلوکیان پیش از اشکانیان، در این دوره شاهد اشاراتی به شهرهای ایران و وضعیت آنها در نوشته‌های مورخین یونانی هستیم که قسمت‌هایی از آن در این بخش از مقاله عنوان می‌شود:

بنا بر نظر "پولپ" مورخ یونانی، در لشکرکشی "آنطیوس کوس" سوم (نیمه دوم قرن سوم قبل از میلاد) از تصرف "هکاتوم پیل" پایتخت پارت در کنار چشمه "استی بوئت" که از کوه بغوتا بیرون می‌آمد سخن گفته است. عموم نظر بر این است که چشمه مذکور همان چشمه علی باشد.

دیگر مورخ یونانی دیودر نیز چنین می‌نویسد: "اسکندر چند روز دامغان ماند و پس از آن به سمت هیرگانی "گرگان" حرکت کرد. اولین منزل او پس از طی چهار فرسخ راه در دامنه کوهی در دهنه‌ای اتفاق افتاده بود که رودخانه‌ای معتبر موسوم به "استی بوئت" در این دره جریان داشت. بعد به کوه کوچکی برخورد و از دره تنگی عبور کرده بعد از اینکه از دره خارج و به جلگه داخل، صحرای هکاتم پیل را مشروب می‌ساخت" (به نقل از نشر فضا، ۱۳۶۸).

بر طبق آنچه "دیودوروس سیلوکوس" می‌گوید اسکندر کبیر از هکاتم پیل عازم محلی شد که دارای چشمه‌ای جوشان از دل صخره بود و سپس از آنجا به هیرکانیا (گرگان) رهسپار شد. این محل بدون شک چشمه علی است که در دامنه کوه در شمال دامغان قرار دارد (کیانی، ۱۳۶۸: ۳۳۷).

باورهای پیشین مربوط به چشمه علی دامغان
کلاویخوی مورخ اسپانیایی که در قرن ۱۵ میلادی به ایران سفر کرده بوده می‌نویسد: "یک فرسخ به دامغان مانده با آنکه آن روز هوا کاملاً خوب بود باد شدید و سردی وزیدن گرفت، چون سرانجام به دامغان رسیدیم علت این باد مهیب را پرسیدیم گفتند که در کوه بزرگی نزدیک شهر، چشمه‌ای است که اگر پرنده‌ای یا جانوری آلوده به آن بیفتد باد بی‌درنگ و با شدت شروع به وزیدن می‌کند و این باد فرو نمی‌نشیند مگر پس از آنکه آلودگی از چشمه دور شود و در نتیجه فردای آن روز ورود ما گروهی از مردم شهر با تبر و قلاب به کنار چشمه رفتند تا آن را پاک کنند و پس از آن باد ناگهان ایستاد" (حقیقت، ۱۳۶۲: ۲۰۷).

همچنین مورخ یونانی، در لشکرکشی "آنطیوس کوس" از تصرف "هکاتوم پیل" پایتخت پارت در کنار چشمه "استی

مغایرتی با آداب اسلامی نداشت پس باید خود را با ظرف جدید هماهنگ می‌کرد. در این شرایط اگرچه دیگر چشمه و آب به خودی خود نمی‌توانست مقدس باشد اما با اطلاق روایاتی سعی کرده‌اند این مکان در این دوران هم مقدس بماند.

چنان کنار چشمه، این احتمال را تقویت می‌کند. از دلایل دیگری که می‌تواند مقوم فرضیه مذکور باشد انتساب نام "علی" به چشمه مذکور است. در صورتی که همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد حضرت علی هرگز به ایران سفر نکرده است. تقدس آب پیش از اسلام^۵ باعث شده که خیلی از کارکردهای تقدس‌گونه آن در اذهان مردم زنده بماند و چون

نتیجه‌گیری

از مجموعه شواهد و مستندات این‌گونه استنباط می‌شود که برداشت‌های صورت گرفته از روایات موجود در مورد چشمه علی سطحی و کم‌عمق بوده و علت تقدس این چشمه را باید در خرده باورهای برجامانده تا به امروز دنبال کرد که ریشه در اعتقادات کهن مردمان این سرزمین دارد. اینجا مکانی است که در آن لایه لایه باورها و اعتقادات بر پایه آیین‌های هر دوره و زمان بر هم نشسته و فصل مشترک همه اینها تقدس این مکان است. به نظر می‌رسد تقدس این مکان به واسطه آبی باشد که زندگی ساکنان دشت دامغان به آن وابسته است. شاید این مکان نیايشگاه مهر یا اناهیتا بوده که گرچه در گذر زمان و با ورود اسلام اساطیر آن همچون مهر و اناهیتا کارکرد خود را از دست داده‌اند، اما با دگرپسویی و تطابق با ظرف جدید (اسلام) کماکان تقدس خود را حفظ کردند.

این مکان در آخرین مرحله تحول و در پذیرش دین اسلام با انتساب به نام حضرت علی و روایاتی منتسب به آن حضرت، به چشمه علی تبدیل شده که بتواند تا امروز به حیات خود ادامه دهد. آنچه مهم است اینکه چشمه علی یا مکان‌هایی از این دست همیشه مقدس و پاک خواهند ماند. اگرچه کارکردهای آن از نسلی به نسل دیگر و در طول سالیان دراز تغییر می‌کند اما اصل همیشه پای بر جاست.

پی‌نوشت‌ها

۱. تقدس ماهی‌های موجود در چشمه‌های واقع در اماکن مذهبی در ادیان باستانی و هم در اعتقادات موجود در دین اسلام وجود دارد (جوادی و عرب سلغار، ۱۳۹۲).
۲. یکی از قنات‌های جاری بخش آباد فی‌خار نام دارد و هر گاه باران نمی‌باریده و آب قنات کم می‌شده، زنان روستا یکدیگر را خبر کرده و یک روز را برای شیلان (غذا) دادن بر سر قنات معین می‌کرده‌اند. مراسم عینا مشابه یک عروسی روستایی است، همراه با سروصدا و موسیقی محلی اما در اینجا داماد قنات است. روز موعود دو نوع خوراک یکی به نام «شیلان» و دیگری «هسو» تهیه می‌کنند. پیش از پخته شدن و سفره انداختن، پیرزنی که در روستا محبوبیت دارد، را انتخاب می‌کنند و یکی از زنان مؤمن روستا، او را به عقد قنات در می‌آورد و پیرزن بعد از عقد، در آب همان قنات آب تنی می‌کند (صداقت‌کیش، ۱۳۸۲: ۳۶).
۳. این بنا داخل شهر دامغان قرار دارد. اطلاق نام چهل دختران به این بنا و وجود یک سلسله سواتیسکا در تزیینات دور تا دور برج نشان از آیین و باورهای مهری دارد.
۴. در اوستا نیز سخن از درختانی آمده که در کنار چشمه‌ای می‌رویند و نگاهبانانی دارند.
۵. بدیهی است که این تقدس ذاتی چشمه و درخت نیست بلکه در صورت باورهای مردم مقدس شده‌اند. از این رو پاکیزه نگاه داشتن آب و سرسبزی و خرمی درخت، با زندگی مردم و نیازهای ایشان در ارتباط است. آب و درخت مقدس شده سپس ایزدانی بر آن منسوب شده‌اند تا مردم ضمن احترام و بزرگداشت آنان، در سلامتی و پاکیزگی آب و گیاه بنوشند (جوادی، ۱۳۸۶).

فهرست منابع

- افشارفر، ناصر. ۱۳۷۰. باستان‌شناسی و تاریخ هزاره‌های تاریک دامغان. تهران: انتشارات پارینه.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۷. از اسطوره تا تاریخ. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۶. پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ دوم. تهران: نشر آگه.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۶. جستاری چند در فرهنگ ایران. چاپ سوم. تهران: فکر روز.
- بنی‌اسدی، علی. ۱۳۷۴. سیمای استان سمنان، جلد ۱؛ جغرافیا تاریخ و جغرافیای طبیعی. سمنان: دفتر امور اجتماعی و انتخابات استان سمنان.
- نقی‌زاده، حسن. ۱۳۸۲. مشخصه‌های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای زیست. مجله محیط‌شناسی، (۳۲): ۹۲-۷۱.
- جوادی، شهره. ۱۳۸۶. اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). باغ نظر، (۱۸): ۲۲-۱۲.
- جوادی، شهره و عرب سلغار، ندا. ۱۳۹۲. تجلی قداست آب در آرامگاه سعدی شیراز. مجله باغ نظر، (۲۶): ۲۲-۱۳.

- حقیقت، عبدالرفیع. ۱۳۶۲. تاریخ قومس. تهران : چاپ کیان.
- خسروی، محمدباقر. ۱۳۷۸. آب در فرهنگ هنر و معماری ایرانی. فصلنامه هنر، (۴۲) : ۱۲۰-۱۱۲.
- شهرزادی، رستم. ۱۳۷۵. موبد رستم. مجله وهومن، (۱۰) : ۴۶-۵۱.
- صداقت کیش، جمشید. ۱۳۸۲. قنات‌های مقدس ایران. کتاب ماه هنر، (۵۷ و ۵۸) : ۳۴-۴۲.
- طاهریا، محمدعلی. ۱۳۴۷. دامغان پایتخت ۶۰۰۰ ساله. اولین نشریه شورای جشن شاهنشاهی شهرستان دامغان، (۱) : ۲۰-۱۱.
- عدل، شهریار. ۱۳۷۸. شرحی بر جغرافیای تاریخی دامغان. ت : کریمی، اصغر. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۴. تهران : سازمان میراث فرهنگی کشور .
- کشاورز دامغانی، علی اصغر. ۱۳۷۰. تاریخ و جغرافیای دامغان. تهران : هیرمند.
- کعبی پور، محبوبه. ۱۳۸۳. بررسی تاریخی عناصر چهارگانه در دوران باستان ایران و نمودهای آن در دوره هخامنشی. مقالات اولین هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت. تهران : فرهنگستان هنر.
- کیانی، یوسف. ۱۳۶۸. شهرهای ایران. تهران : جهاد دانشگاهی.
- محمد باری، آفاق و حامد هاشمی. ۱۳۷۶. مجموعه مقالات دومین اجلاس بین‌المللی جاده ابریشم. تهران : دبیرخانه دومین اجلاس بین‌المللی جاده ابریشم.
- موسسه علمی و فرهنگی نشر فضا. ۱۳۶۵. بناها و شهر دامغان. تهران : نشر فضا.
- میرشکرایی، محمد. ۱۳۸۲. انسان و آب در ایران. کتاب ماه هنر،
- میرشکرایی، محمد. ۱۳۸۲. خضر در باورهای عامیانه، کتاب ماه هنر، (۵۶ و ۵۵) : ۲۸-۴۲.
- میرشکرایی، محمد. ۱۳۸۲. فرهنگ و آداب. کتاب ماه هنر، (۵۷ و ۵۸) : ۳.
- هنیلز، جان. ۱۳۶۸. شناخت اساطیر ایران. ت : آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. چاپ اول. تهران : چشمه.